



نمره برتر

در هر موقعیتی که هستی

بهترین خودت باش

نمره برتر ، یک سایت آموزشی متفاوت

معنی لغات جدید درس اول و ستایش

| | | | |
|-------------------------------|-------------------------------------|--|---------------------------|
| دمی: لحظه ای | جوی: پیدا کن | بود: باشد، هست | صبحگاه: هنگام صبح |
| نهان: پنهان، مخفی | نشان: نشانه، علامت | جهان افروز: روشن کننده ی جهان | غوک: غورباغه |
| داوری: قضاوت کردن | نیلی: آبی تیره کبود رنگ | برکه: آبگیر، گودالی که در آن آب جمع شده باشد | |
| انبوه: زیاد، فراوان | زینت داد: تزیین کرد | گلگون: سرخ رنگ | تاب نیاوردند: تحمل نکردند |
| صنوبر: نام درخت | جلا دادن: شفاف و پاکیزه، صاف و براق | قشر: لایه | دل انگیز: زیبا، جالب |
| چیره دست: ماهر، استاد، زبردست | معرفت: شناخت | شگفت انگیز: عجیب و غریب، تعجب آور | |
| پذیرفت: قبول کرد | آویخت: آویزان کرد | ارغوانی: قرمز مایل به بنفش | بگشود ص: باز کرد |
| رمه: گله | پهنه ی دشت: سطح دشت | نشانید: گذاشت، قرار داد | سراغ: پی چیزی رفتن، دنبال |

واژگان هم خانواده

| | | |
|---------------------------------|---------------------------------|---------------------------------|
| (صبح - صبحگاه - صبحانه) | (جوی - جوینده) | (روشن - روشنایی) |
| (بقیه - باقی) | (هنرمند - هنرنا - هنر) | (طبیعت - طبع - طبیعی) |
| (اثر - تأثیر - موثر) | (معرفت - عرفان - تعریف - معروف) | (تصویر - مصوّر - تصاویر - صورت) |
| (مزارع - مزرعه - زراعت - زرع) | (مهاجر - مهاجرت - هجرت) | (نقش - نقاش - نقشه) |
| (هوش - هوشیار - باهوش - هوشمند) | (قشر - اقشار) | (زینت - تزیین) |
| (پهن - پهنه - پهناور) | (منظره - نظر - ناظر - نظارت) | (انتظار - منتظر) |
| | | (نخست - نخستین) |

واژگان متضاد

| | | | |
|--------------|--------------|-------------|------------------|
| هست = نیست | متصل = جدا | سوال = جواب | دیدم = ندیدم |
| آهسته = سریع | نهان = آشکار | نیکی = بدی | روشنایی = تاریکی |

معنی لغات جدید درس دوم

عده : مسئولیت دلنشین : جذاب ، زیبا و قشنگ لطیف : ملایم ، نرم پیشین : قبلی ، گذشته
پی در پی : پشت سر هم ، پیوسته شگفتی : تعجب ، حیرت کوچ : مهاجرت ، از جایی به جایی رفتن
نهاده است : قرار داده است معتدل : آب و هوایی که نه سرد باشد نه گرم جامه : لباس
پیمودن : طی کردن ، پشت سر گذاشتن لطف : محبت ، مهربانی جست : جهید ، پرید
جنب و جوش : تلاش و فعالیت بسیار

واژگان هم خانواده

(جمع - جامع - مجموع - جامعه - جمعه - جماعت)
(مشغول - شغل - شاغل)
(طولانی - طویل - طول)
(اعتدال - معتدل - متعادل)
(معلوم - علوم - علم - عالم - معلم - تعلیم)
(سفر - مسافر - مسافرت)

واژگان متضاد

اوایل = اواخر معلوم = مجهول طولانی = کوتاه کمیاب = زیاد

معنی لغات جدید درس سوم

| | |
|--|-----------------------------|
| آسیاب : دستگاهی برای خرد کردن و آرد کردن گندم و جو و دانه های دیگر | حیات : زندگی |
| می لنگید : لنگان لنگان راه می رفت، در راه رفتن ناتوان بود | اساس : پایه بنیان |
| حدس زدم : گمان کردم ، پنداشتم ، فکر کردم | اثاث : وسایل ، ابزار |
| خار : تیغ | معدرت خواهی: عذرخواهی |
| زاغ : پرنده ای از خانواده ی کلاغ در اندازه و رنگ های مختلف | قضا : سرنوشت |
| حیلت ساز: حيله گر ، مکار | خوش آواز: خوش صدا ، خوش نوا |
| آواز : صدا ، بانگ ، نغمه ، سرود | روبهک : روباه کوچک |
| بربود:ربود ، برد ، دزدید | طعمه: خوردنی ، خوراک |

واژگان هم خانواده

| | | |
|----------------------|----------------------|--------------------------|
| (حاکم - حکم - محکوم) | (گود - گودی - گودال) | (معدرت - عذر - عذرخواهی) |
|----------------------|----------------------|--------------------------|

معنی لغات جدید درس چهارم

حکیم : دانشمند، فیلسوف، طبیب (پزشک)
قصد : اراده کردن، نیت، میل
افزوده می شد: اضافه می شد
بر افراشته : بالا برده، بالا گرفته شده
چاره : راه حل، تدبیر
نیک نامی : خوش نامی، معروف به خوبی
تعلیم: یاد دادن

واژگان هم خانواده

(قدیم - قدما - قدمت)
(قصد - مقصود - مقصد)
(فکر - افکار - تفکر - متفکر)
(حال - احوال - حالت)
(حاضر - حضور - حضرت)
(حرکت - متحرک - تحرک)
(نجات - منجی - ناجی)
(علاقه - علاقمند - تعلق)
(علاقه - علاقمند - تعلق)

معنی لغات جدید درس پنجم

| | | |
|--|------------------------------------|--------------------------------------|
| غلام : خدمتکار ، نوکر | کارمت : که برایت بیاورم | ارمغان : هدیه ، سوغات |
| گریستن : گریه کردن | خواجه : بزرگ ، سرور، تاجر | قضا : سر نوشت، تقدیر |
| حبس : زندان ، بازداشت | شگرسخن : شیرین سخن ، شیرین گفتار | خطه: سرزمین |
| بازرگان: تاجر | گران بها: قیمتی ، باارزش | کان: که آن |
| صحنه: منظره ای واقعی یا خیالی که رویدادی را نشان می دهد. | زین: از این | خام : بیهوده، ناپخته، نسنجیده |
| تجارت : بازرگانی، داد و ستد، معامله | تپید : جنید، حرکت کرد ، بی قرار شد | راس : واحد شمارش چهارپایان |
| شادکام: خوشحال | کنیزک: خدمتکار، زنی که برده باشد | بازگو: بیان کردن، دوباره گفتن |
| همتا : مانند، مثل | زهره اش بدرید : ترسید | دلداری دهد: همدردی کند، غم خواری کند |
| بند : طناب ، ریسمان | کول : شانه و دوش | قافله : کاروان ، گروه همسفر |
| | مرغان : پرندگان | |

واژگان هم خانواده

| | | |
|-------------------------|----------------------------|-----------------------------|
| (شگفت زده - شگفت انگیز) | (مشتاق - اشتیاق - شوق) | (پیام - پیام رسان - پیامبر) |
| (موضوع - وضع - اوضاع) | (شرمنده - شرمسار - شرمگین) | (شکایت - شاکی) |
| (سکوت - ساکت) | (تجارت - تاجر - تجار) | |

معنی لغات جدید درس ششم

| | | |
|---|---|--|
| افراسیاب : فرمانده ی سپاه توران | سرپنجه : نیرومند، توانا | سرانجام : عاقبت و پایان کاری |
| خاور:مشرق(متضاد باختر، مغرب) | بی تابی : بی قراری، نا آرامی | کمان : ابزار تیراندازی چاره: راه حل |
| سامان دادن : به ترتیب چیدن ،منظّم کردن | تیزبال : سریع ، تیزبال | رشید: راست قامت ،دلاور |
| نقص :عیب ، کمی، کاستی | استوار : پایدار، محکم | پولادین: ساخته شده از فولاد،محکم،نیرومند |
| تناور: تنومند ، درشت پیکر ، دارای ساقه ی بزرگ و قوی | زمزمه: آوازی که به آهستگی و زیرلب خوانده شود. | |
| توران : نژادی ایرانی | بردباری: صبر ،شکیبایی | اندوه :ناراحتی ، غم ،غصّه |
| اندوهگین : غمگین ، غصّه دار ، سوگوار | تحقیر : خوار کردن ، کوچک شمردن | سرپنجه : نیرومند،توانا |
| بی تاب: بی قرار ، ناآرام | ماهر: استاد | نیم روز : میان روز ، وسط روز |
| تیغه : لبه ی شمشیر | گهر :گوهر ،مروارید | برآن: تیز ، برنده برق : صاعقه |
| گوهر فشانی :پراکندن مروارید | دیرین: قدیمی | چابک: تند و سریع ، چالاک |
| چست: چالاک ، چابک | غرآن: غرش کنان،درحال غریدن | تیره: تاریک ،سیاه |
| تندر: بانگ رعد، صدایی که هنگام رعدو برق به گوش می رسد | پهن: گسترده | |
| وارونه : برعکس | بس: بسیار ، خیلی ،فراوان | اندر : در |

واژگان هم خانواده

| | | |
|------------------------------------|----------------|----------------|
| (تحقیر - حقیر - حقارت) | (ماهر - مهارت) | (مشکل - اشکال) |
| (توانایی - توانا - توان - توانمند) | (رشید - رشادت) | (نقص - ناقص) |

واژگان متضاد

| | | | |
|---------------|-----------------|-----------------|------------|
| پیروزی = شکست | نامید = امیدوار | سختی = آسانی | آشتی = قهر |
| خاور = باختر | تنگ = گشاد | بی جان = جاندار | محکم = شل |

معنی لغات جدید درس هفتم

| | | |
|---|---|----------------------------|
| حضور: حاضر بودن، وجود داشتن | رخسار: چهره، روی، سیما | نشاط: شادی، شوق |
| خروشان: پرسرو صدا | هیجان: شور و شوق | انبوه: بسیار، فراوان، زیاد |
| پرتوان: با قدرت، پرنیرو، توانا | غوغا: سرو صدا | اسقبال: به پیشواز کسی رفتن |
| تپش: تپیدن، جنبش، حرکت | انتظار: چشم به راه بودن، امید داشتن | رخ: صورت، چهره، گونه |
| هین: بدان، آگاه باش | لحظه شماری: انتظار کشیدن، پیوسته منتظر کسی بودن | |
| لحظه: زمان خیلی کوتاه | بالاخره: سرانجام، عاقبت | هممه: سر و صدا |
| خیره شدن: توجه عمیق، نگاه کردن به چیزی بدون چشم برداشتن از آن | بی صبرانه: زود، بی طاقتی، نا آرام | |
| مشام: بینی | برنا: جوان | |

واژگان هم خانواده

| | | |
|------------------------|----------------------|------------------------------|
| (مشتاق - اشتیاق - شوق) | (صبر - صبور - صابر) | (اشعار - شعر - شاعر) |
| (متوجه - توجه) | (درس - مدرس - تدریس) | (فعالیت - فعال - فاعل - فعل) |

معنی لغات جدید درس دهم

| | | |
|--|--|--|
| رونق داشتن : خوب بودن وضع کسب و کار | حرفه : شغل ، پیشه ، کار | طبع : ذوق، استعداد |
| جویا : کنجکاو ، جستجوگر | اقامت گزیدم : درجایی ساکن شدم ، ماندم | کنج : گوشه |
| فروزان : تابان ، درخشان ، روشن | ذوق : شور و شوق ، علاقه . توانایی | قریحه : ذوق و استعداد |
| عاجز: ناتوان ، درمانده | استعداد : آمادگی ، توانایی | مقصود : خواسته ، آرزو ، نیت |
| لبریز : پر،لبالب | دایرشدن : تشکیل شدن ، ایجاد شدن | سرمشق : الگو، نمونه |
| فعال: پرکار ، کوشا | فعالیت: کوشش ، تلاش | مکتب : محل درس خواندن، نام مدرسه در قدیم |
| پرشور : پر حرارت ، با هیجان | اجتماع : گروه ، جمعی از دسته های انسانی | از پس : از پشت |
| اطفال : کودکان | ویژه : خاص ، مخصوص | ابداع : نوآوری ، چیزی را از نو پدید آوردن ، ایجاد کردن |
| بام : بالای ساختمان ، پشت بام | پشتکار : تلاش برای انجام کاری ، با علاقه کاری را پیگیری کردن | |
| پند : نصیحت ، اندرز | سرگذشت : شرح حال | اراده : خواست ، میل ، تصمیم |
| صبر : شکیبایی ، بردباری | خشنود : راضی ، خوشحال ، شادمان | آیت : نشانه |
| هما : پرنده ای افسانه ای که سایه اش باعث سعادت مندی می شود | ابوالعجائب : پدر شگفتی ها | |
| ماسوا: موجودات ، مخلوقات ، غیر از خدا | رخ : سیما ، صورت | مسکین : فقیر ، تهی دست |
| قسم : سوگند | کرم : لطف ، جوانمردی ، بزرگواری | نگین : سنگ قیمتی که رویانگشتر می گذارند |
| مدارا : با نرمی و ملایمت رفتار کردن | علم کند : معرفی کند ، برپا کند ، مشهور بسازد | |

واژگان هم خانواده

| | | |
|------------------------------|----------------------|------------------------|
| (کتاب - مکتوب - کاتب - مکتب) | (مقصود - قصد - قاصد) | (راضی - رضایت - مرضیه) |
| (قبول - قابل - مقبول) | (صبر - صبور - صابر) | |

معنی لغات جدید درس یازدهم

اعتقاد : باور، ایمان ، عقیده محتاج : نیازمند سقوط : افتادن دژ:حصار ، حلقه

متجاوز: ستمگر، کسی که به دیگران ظلم می کند. گذرگاه : محل عبور، جای گذر

وصف ناپذیر: غیر قابل توصیف، وصف نشدنی سقا : کسی که به تشنگان آب می دهد.

نظاره می کرد : نگاه می کرد ، تماشا می کرد مانع : جلوگیری کننده ، سد

ترجیح دادن : برگزیدن، کسی یا چیزی را بردیگری برتری دادن

تسخیرناپذیر : مکان یا چیزی که به آسانی نتوان آن را به دست آورد ، مکان یا چیزی که دسترسی به آن دشوار است.

مسئولیت : سرپرستی یک کار مهم عملیات : فعالیت ها ، کارها دم : لحظه ، زمان کوتاه

مقابله : رویارویی ، مواجهه بی وقفه : بی درنگ ، بدون توقف ، پشت سرهم

حمله : هجوم ، یورش ، تاختن

واژگان هم خانواده

(منع - مانع - ممانعت) (محتاج - احتیاج) (وصف - توصیف)

(نظام - ناظم - نظم - منظم) (مظلوم - ظلم - ظالم) (تسلیم - اسلام - مسلم - مسلمان)

(شکر - تشکر - شاکر) (اعتقاد - معتقد)

معنی لغات جدید درس دوازدهم

| | | |
|---|--------------|----------------------------|
| صمیمی : یکدل ، همدل | حومه : اطراف | سطر : یک خط از یک نوشته |
| حسرت خوردن : آه و افسوس کردن ، حسرت کشیدن | | مختصر : کوتاه ، کم ، گزیده |
| اسرار : جمع سر ، رازها | | لاشه : جسد |

واژگان هم خانواده

(شوق - اشتیاق - مشوق - تشویق)

(مثل - مثال - امثال)

معنی لغات جدید درس سیزدهم

| | |
|---|---|
| ربّ جلیل : خدای بلند مرتبه، خدای بزرگ | عدل : انصاف ، عدالت ، رعایت برابری |
| بنده پروری : رفتار دوستانه داشتن ، مهربانی و لطف کردن | طغیان : از حد خود گذشتن ، بالا آمدن آب |
| حسرت : اندوه ، آه و افسوس | خرد : کودک ، کم سن و سال |
| وحی : آن چه از طرف خدا به پیامبران نازل شود. | درفکند : انداخت ، رها کرد ، افکند |
| شیوه : راه و روش | گاهوار : گهواره |
| شنیدستم : شنیده ام | شهباز : باز ، نوعی پرنده شکاری سفید با پنجه و منقار قوی |
| کهنسال : پیر | تاخت : حمله کرد |
| پران : درحال پریدن ، درحال پرواز | اجل : پایان زندگی ، زمان مرگ |
| نگون اقبال : بدبخت ، تیره بخت | زه : چله ی کمان |
| صلاح : شایسته ، مصلحت | حیّ داور : خداوند ، پروردگار |
| صیاد : شکارچی | |

واژگان هم خانواده

| | | | |
|---------------|----------------|----------------------|------------------------------|
| (جلیل - جلال) | (باطل - ابطال) | (عدل - عدالت - عادل) | (لطف - لطیف - الطاف - لطافت) |
|---------------|----------------|----------------------|------------------------------|

معنی لغات جدید درس چهاردهم

مشک : ماده ای روغنی که بسیار معطر و خوش بو است. طبله : صندوقچه عطار : عطر فروش

اندوخت : جمع کرد ، گردآوری کرد آموخت : یاد داد ، یاد گرفت غازی : جنگجو

قاضی : داور پرهیز کردن : دوری کردن ، خودداری کردن از انجام کاری

طبل غازی : طبلی که در پیشاپیش لشکر به صدا در می آید ، طبل جنگی

واژگان هم خانواده

(رنج - رنجور - رنجیده) (عطار - عطر - معطر) (ادب - مودب - ادیب - آداب)

(طلب - طالب - مطلوب) (عالم - علم - علوم - معلوم) (عمل - عملیات)

واژگان متضاد

نادان = دانا عالم = جاهل بی ادب = با ادب بلند آواز = خاموش

معنی لغات جدید درس پانزدهم

| | | |
|---------------------------------------|--|---------------------------|
| بیشه : جنگل ، جنگل کوچک | خفته : خوابیده به خواب رفته | متغیر : خشمگین ، عصبانی |
| حول و حوش : اطراف ، دورو بر ، گرداگرد | صید : شکار | هراس : ترس ، احساس نگرانی |
| یک غازی : بی ارزش ، ناچیز | بازیگوش : کسی که بیشتر به فکر بازی و تفریح است. | |
| مغفرت : بخشش گناهان ، آمرزش | وحوش : جانوران وحشی ، جانوران اهلی نشده (جمع وحشی) | |
| موشک : موش کوچک | خطاکار : کسی که کار نادرستی انجام داد ، گناهکار | |
| حاصل کرد : به دست آورد ، کسب کرد | چار : چهار | رحم : مهربانی ، بخشیدن |
| سحر آمیز : جادویی ، بسیار شگفت انگیز | جست : جهید | |

واژگان هم خانواده

| | | | |
|-----------------|-----------------------|----------------------|--------------|
| (متغیر - تغییر) | (مغفرت - استغفار) | (رحم - رحمان - رحیم) | (صید - صیاد) |
| (عوض - تعویض) | (حاصل - محصول - حصول) | | |

معنی لغات جدید درس شانزدهم

| | | |
|--|---|---|
| معلق : آویزان | واپسین : آخرین ، پایانی | فیلسوفان : جمع فیلسوف ، دانشمندان علم فلسفه |
| گریزان : گریزنده ، شتابان | فلان : اشاره به شخص نامعلوم | در گذرم : از دنیا بروم ، بمیرم |
| گویی : مثل اینکه ، مانند اینکه | منتظر : چشم به راه ، کسی که انتظار می کشد | |
| دانش اندوزی : علم آموزی ، یادگیری ، فراگیری دانش | سپری شد : به پایان رسید ، به اتمام رسید | |
| اتفاق : رویداد ، پیشامد ، حادثه | جاهل : نادان ، بی خبر | |
| واپسین : آخرین ، پایانی | برنا : جوان | فضای : بیفزای ، اضافه کن |
| رامش : آرامش ، آسودگی | | |

واژگان هم خانواده

| | | |
|------------------------|----------------------|----------------------|
| (شبهه - شباهت - تشبیه) | (کشف - کاشف - مکشوف) | (جهل - جاهل - مجهول) |
|------------------------|----------------------|----------------------|

معنی لغات جدید درس هفدهم و نیايش

دلنشين : جذاب ، زيبا و قشنگ نمايان : آشكار معرفت : شناخت مجازي : غير واقعي

فناوري : استفاده از علم در كارهاي مختلف مانند پزشكي ، كشاورزي ، بازرگاني و ...

فضل : بخشش رحمت : مهرباني ، دلسوزي ، بخشايش صواب : راست ، درست

كامران : پيروز ، موفق توفيق : موفقيت ، كاميابي ذات : وجود ، هستي لفظ : زبان

حامي : نگهبان ، پشتيبان ناظر : نظاره گر ، بيننده ثنا : ستايش ، ستودن

احسنت : آفرين عثاف : بيكار صاحب : دارنده ، مالك اثر : نشان ، علامت

عيب : نقص ، كمبود باز : دوباره ، از نو رطب : خرماي تازه

منع كردن : بازداشتن ، دور كردن مستجاب : پذيرفته شده ، بر آورده

واژگان هم خانواده

(نفس - تنفس) (عميق - عمق - اعماق) (واقعي - واقعيت - واقعا) (منتقل - انتقال)

واژگان متضاد

مجازي = واقعي حاضر = غايب اولين = آخرين